

فصلنامه محیط راهبردی

سال چهارم، شماره ۱۲، پائیز ۱۳۹۹

مقاله پژوهشی، صفحه ۱۶۷ تا ۲۰۱

تحولات ژئوپلیتیک جنوب غربی آسیا، چالش‌ها و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران

دکتر محمد اکرمی نیا^۱، محسن رحیمی نیا^۲

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۸/۱۴

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۲۷

چکیده

این پژوهش با رویکردی راهبردی در حوزه تحولات ژئوپلیتیک منطقه آسیای جنوب غربی به بررسی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات ج.ا.ایران پرداخته و راهبرد هایی را برای تامین امنیت و منافع ملی ایران ارایه نموده است. بنابراین سؤال اصلی این مطالعه این است که در تحولات ژئوپلیتیک کنونی در منطقه آسیای جنوب غربی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها، تهدیدات و راهبردهای اثربخش جمهوری اسلامی ایران کدامند؟ در این پژوهش طی یک فرآیند معین با استفاده از روش SWOT راهبردهای اثربخش برای جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تحولات ژئوپلیتیک منطقه ارایه می‌شود. طبق یافته‌های پژوهش، راهبردهای ارایه شده عبارتند از: راهبرد تنش‌زدایی و اعتمادسازی، راهبرد مقابله با حضور و نفوذ آمریکا، راهبرد ثبات‌سازی، راهبرد رهایی منطقه، راهبرد مقابله با منزوی‌سازی و امنیتی‌سازی ایران، راهبرد مدیریت از بحران‌های منطقه‌ای و راهبرد نقش‌آفرینی.

کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک، آسیای جنوب غربی، ایران، راهبرد.

^۱ دکترای مدیریت راهبردی و پژوهشگر موضوعات سیاسی و بین‌المللی

^۲ کارشناس ارشد علوم سیاسی

مقدمه

برآورد تحولات ژئوپلیتیک، اقدامی معطوف به تصمیم‌گیری است که بر شناخت تصمیم‌گیرندگان از گذشته، وضعیت فعلی و درک و فهم‌شان از آینده استوار است. اگر شناخت گذشته و امروز مبتنی بر واقعیت‌هایی است که به وقوع پیوسته‌اند، شناخت آینده تصویری است از روندهای فعلی و اراده‌ها و تحولات احتمالی که در شکل‌گیری جهان ایفای نقش می‌کنند. مفروض همه آنها اهمیت زمان در تصمیم‌گیری و تصمیم‌گیری مبتنی بر شناخت واقعیت یا تصویری درست از واقعیت احتمالی است. شناخت امری نسبی است و هر کشوری که بتواند برآورد و در نتیجه، شناخت دقیق‌تری از تحولات ژئوپلیتیک داشته باشد، امکان اتخاذ تصمیمات مناسب‌تر و مفیدتر برای آن بیشتر است. تصمیم‌گیری درست نیازمند شناخت دقیق واقعیات، توانمندی‌ها و بررسی گزینه‌های احتمالی و برآورد دقیق هزینه‌ها و دستاوردهای هر اقدامی است. (یزدفام، ۱۳۹۰: ۸)

آسیای جنوب غربی شامل ۲۳ کشور ایران، پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، آذربایجان، ارمنستان، ترکیه، عراق، کویت، عربستان، قطر، بحرین، امارات متحده عربی، عمان، یمن، سوریه، لبنان، رژیم صهیونیستی، اردن، گرجستان، تاجیکستان، قزاقستان، ازبکستان است که در زیر سیستم‌های منطقه‌ای خلیج فارس، دریای عمان، آسیای مرکزی و قفقاز، شبه‌قاره و جنوب غرب آسیا (خاورمیانه) مستقر شده‌اند. (رضایی و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۶)

در هر منطقه از مناطق پنج‌گانه بالا، ایران دارای منافع خاصی است و در عین حال با تهدیدات و فرصت‌های ویژه‌ای مواجه می‌باشد (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۹۲). زیرسیستم‌های منطقه آسیای جنوب غربی، به گونه تنگاتنگ با هم در ارتباط هستند و ایران از نظر جغرافیایی در کانون و مرکز ثقل آنها قرار دارد. (رضایی و مبینی دهکردی، ۱۳۹۰: ۲۴۷).

با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای جنوب غربی، شناخت تحولات ژئوپلیتیک در محیط پیرامونی ایران جهت نقش‌آفرینی فعال و سازنده ضرورت می‌یابد.

در حال حاضر جای جای منطقه جنوب غربی آسیا بحران‌های خشونت‌زا توأم با جنگ‌های ویران‌گر قابل مشاهده است. به دنبال سقوط دولت صدام حسین در عراق در سال ۲۰۰۳ و خلاء قدرت در این کشور، گروه‌های تروریستی که از تنوع نسبتاً زیادی برخوردار هستند به تدریج در مناطق مختلف این کشور مستقر شده و علاوه بر دست زدن به اقدامات تروریستی در داخل شهرها تلاش نمودند بخش‌هایی از این کشور را به اشغال خود درآورند. اشغال شهر مهم موصل در بیستم خرداد سال ۱۳۹۲ اوج فعالیت‌های گروه تروریستی موسوم به داعش بوده که یک بحران تمام‌عیار را در عراق به نمایش گذاشت. متعاقب اوج‌گیری بیداری اسلامی در منطقه و سرنگونی چهار نظام سیاسی مستبد و وابسته به غرب در کشورهای تونس، مصر، لیبی و یمن، بیگانگان با کمک برخی کشورهای منطقه از جمله عربستان، قطر و ترکیه با تلاش برای شبیه‌سازی بیداری اسلامی در سوریه، این کشور را با بحرانی ویران‌گر و همه‌جانبه مواجه نمودند که علاوه بر سوریه تأثیرات مخرب منطقه‌ای و بین‌المللی فراوانی داشته است. ورود سایر بازیگران منطقه و خارج از منطقه بر پیچیدگی اوضاع در این کشور افزوده است و مهم‌تر این که با توجه به طولانی شدن جنگ در سوریه برخی گروه‌های کردی در این کشور به دنبال تجزیه و تشکیل دولت مستقل هستند. با تهاجم نظامی مستقیم نظامی عربستان به یمن در ششم فروردین ۱۳۹۳ ابعاد ناآرامی و التهاب در منطقه گسترش یافت و نه تنها مردم یمن بلکه پی‌آمدهای منطقه‌ای و بین‌المللی گوناگونی داشته است. ناآرامی‌های ناشی از فعالیت‌های گروه‌های تروریستی در افغانستان و پاکستان تداوم دارد و هنوز این کشورها نتوانسته‌اند وضعیت آرامش و ثبات را مشاهده کنند. در لبنان علی‌رغم گذشت قریب به دو سال از خالی بودن جایگاه ریاست جمهوری، گروه‌های سیاسی در این کشور هنوز نتوانسته‌اند در انتخاب رئیس‌جمهور به اجماع نظر برسند. دخالت‌های عربستان در این کشور و تلاش برای بر سرکار آوردن سمیر جعجع به عنوان یک عنصر وابسته مانع تصمیم‌گیری نهایی و استقرار ثبات در لبنان شده است. انتفاضه سوم در سرزمین‌های اشغالی به ویژه در کرانه باختری رود اردن، اوضاع فلسطین را وارد مرحله جدیدی نموده است. گرچه اقدامات خشونت‌آمیز رژیم صهیونیستی

در پرتو التهابات و درگیری‌های منطقه، انعکاس زیادی نداشته و برخی دولت‌های عربی به بهانه مقابله با ایران به دنبال برقراری و تقویت روابط با رژیم صهیونیستی بوده‌اند اما با توجه به اهمیت مسئله فلسطین برای جهان اسلام، موج انتفاضه سوم، وضعیت جدیدی را را در منطقه رقم زده است. در مصر، تونس و لیبی علیرغم استقرار دولت‌های جدید، ناآرامی و التهاب مشاهده می‌شود. از این رو آینده سیاسی این کشورها در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

عراق در قلمرو حیاتی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. سوریه در حوزه متحدان استراتژیک ایران دسته‌بندی می‌شود و به عنوان سنگر نخستین مقابله با رژیم صهیونیستی شناخته می‌شود و تحولات مصر و تونس و لیبی به لحاظ چیره شدن مقوله تقابل اسلامگرایان با نیروهای سکولار بر گفتمان سیاسی منطقه، نسبتی هر چند محدود با جمهوری اسلامی ایران پیدا خواهد کرد. مجموعه تحولات فوق حاوی برخی فرصت‌ها و تهدیدات برای جمهوری اسلامی ایران است (مظاهری، ۱۳۹۳).

در مجموع می‌توان گفت سراسر منطقه آسیای جنوب غربی و شمال آفریقا دستخوش التهاب، ناآرامی و ناامنی است و آینده روندهای موجود با توجه به تعدد و تکرر بازیگران و مسایل موجود و نامعلوم و در بر دارنده فرصت‌ها و تهدیدات فراوان است.

یکی از نقاط قوت جمهوری اسلامی ایران پذیرش و مقبولیت منطقه‌ای و بین‌المللی است. البته پذیرش و مقبولیت بدین معنا نیست که جمهوری اسلامی ایران در منطقه بدون دشمن و رقیب نمی‌باشد بلکه بدین معناست که نقش آفرینی و قدرت ایران در منطقه موجب این پذیرش و مقبولیت بین‌المللی شده است. دعوت از جمهوری اسلامی ایران برای حل بسیاری از مناقشات منطقه‌ای و بین‌المللی مانند افغانستان، عراق و لبنان نقطه قوت جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. وزیر امورخارجه روسیه در این باره می‌گوید: «ایران بخشی از منطقه و یکی از مهم‌ترین کشورهای منطقه است. نمی‌توان امیدوار به حل مسائل موجود در منطقه بدون ایران بود.» درخواست کشورهای منطقه و جهان برای حضور در اجلاس سوریه و دیگر مناقشات منطقه‌ای نشان‌دهنده مقبولیت و

پذیرش نظامی اسلامی از سوی کشورهاست. این مقبولیت در حصار کشورهای منطقه باقی نمانده و تصویب «قانون مقابله با ایران در نیم کره غربی» توسط کنگره آمریکا در سال ۹۱ در واقع، اذعانی تلخ به قدرت بین‌المللی ایران است. (حقیقت پور، ۱۳۹۴/۹/۲)

طبیعتاً هر بازیگری درک و شناخت درست‌تری خشونت‌آمیز رژیم صهیونیستی در پرتو التهابات و درگیری‌های منطقه، انعکاس زیادی نداشته و برخی دولت‌های عربی به بهانه مقابله با ایران به دنبال برقراری و تقویت روابط با

رژیم صهیونیستی بوده‌اند اما با توجه به اهمیت مسئله فلسطین برای جهان اسلام، موج انتفاضه سوم، ربی، وضعیت موجود و آینده ژئوپلیتیک منطقه دارای ابهامات و پیچیدگی‌های زیادی بوده و چالش‌های گوناگونی برای جمهوری اسلامی ایران فراهم آورده و از سوی دیگر راهکارها و راهبردهای ایران در مواجهه با تحولات ژئوپلیتیک جاری نیاز به پژوهش‌های جامع علمی دارد؛ از این رو مسئله اصلی در این مقاله مشخص نبودن چالش‌ها (قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات) و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در تحولات ژئوپلیتیک منطقه است.

بوده‌اند اما با توجه به اهمیت مسئله فلسطین برای جهان اسلام، موج انتفاضه سوم، ربی، وضعیت موجود و آینده ژئوپلیتیک منطقه دارای ابهامات و پیچیدگی‌های زیادی بوده و چالش‌های گوناگونی برای جمهوری اسلامی ایران فراهم آورده و از سوی دیگر راهکارها و راهبردهای ایران در مواجهه با تحولات ژئوپلیتیک جاری نیاز به پژوهش‌های جامع علمی دارد؛ از این رو مسئله اصلی در این مقاله مشخص نبودن چالش‌ها (قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات) و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در تحولات ژئوپلیتیک منطقه است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

برخی از موارد اهمیت و ضرورت این پژوهش عبارتند از:

حرکت علمی در راستای تحقق دیدگاه‌های منویات مقام معظم رهبری در خصوص ضرورت اعتلای کشور و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله. از نظر مقام معظم رهبری نیز اعتلای

موقعیت جمهوری اسلامی ایران به معنای ماهیت گسترش یابنده فرهنگ انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌های دینی- الهی است که موجب ارتقای روحیه ظلم ستیزی، صدور معنویت گرایی و افزایش سعادت بشری می‌گردد. معظم له در مقاطع گوناگون به اهمیت و اعتبار سند چشم انداز و لزوم تعقیب آن توسط مسئولان کشور تأکید نموده‌اند. (پایگاه اطلاع رسانی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله)، ۸۸/۲/۶) این مطالعه می‌تواند امکان تعیین، تصحیح و تسهیل سیاست های راهبردی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای جنوب غربی را فراهم نماید. این پژوهش با ارایه راهبردهای موثر می‌تواند مانع غافل‌گیری، انزوا، انفعال و تضعیف جایگاه جمهوری اسلامی ایران در منطقه شود.

هدف تحقیق:

شناخت قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات جمهوری اسلامی ایران در تحولات ژئوپلیتیک منطقه آسیای جنوب غربی و ارایه راهبردهای اثربخش.

سؤال تحقیق:

در تحولات ژئوپلیتیک کنونی در منطقه آسیای جنوب غربی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها، تهدیدات و راهبردهای اثربخش جمهوری اسلامی ایران کدامند؟

فرضیه تحقیق:

در این پژوهش طی یک فرآیند معین و با استفاده از روش SWOT راهبردهای اثربخش برای جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تحولات ژئوپلیتیک منطقه ارایه می‌شود بنابراین نیاز به فرضیه وجود ندارد و صرفاً یک فرآیند طی می‌شود.

نوع و روش تحقیق:

این مطالعه از نوع کاربردی است و در چارچوب آینده پژوهی و با استفاده از تکنیک SWOT صورت گرفته است. استفاده از روش SWOT چارچوب تحلیلی مناسبی برای شناخت تحولات ژئوپلیتیک محیط راهبردی منطقه آسیای جنوب غربی و تدوین راهبردهای اثربخش فراهم می‌آورد. در این روش موقعیت برحسب قوت‌ها و ضعف‌هایی که در محیط داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهایی که در محیط خارجی وجود دارد، مورد

ارزیابی قرار می‌گیرد (احمدی، ۱۳۹۰). در این مطالعه سعی شده محیط راهبردی آسیای جنوب غربی براساس چهار مولفه قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات ژئوپلیتیک مورد بررسی قرار گیرد سپس راهبردهایی برای مواجهه جمهوری اسلامی ایران با وضعیت‌های آینده و استفاده از فرصت‌های پیش رو با اتکا به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های موجود ارایه گردد.

چارچوب نظری:

قوت‌ها و ظرفیت‌های ایران در تحولات ژئوپلیتیک منطقه نقطه قوت عبارت است از شایستگی ممتازی که بوسیله آن فرد، نهاد یا کشوری می‌تواند در زمینه‌های مختلف نسبت به رقبا برتر باشد.

۱- موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران در منطقه آسیای جنوب غربی

جمهوری اسلامی ایران، به لحاظ جغرافیایی در آسیای جنوب غربی، قرار گرفته است که شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه کوچک، خلیج فارس و شبه قاره (افغانستان و پاکستان است. قرار گرفتن ایران در این منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک از جهان، که محل تلاقی و راه ارتباطی اروپا به جنوب و جنوب شرق آسیا) محل زندگی بیش از یک سوم جمعیت جهان (و پل ارتباطی میان سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا می‌باشد و امکان دسترسی کشورهای تازه استقلال یافته به آبهای آزاد از طریق ایران را فراهم می‌سازد. همچنین از نظر ژئوپلیتیک، موقعیت جغرافیایی ایران به نحوی است که در همسایگی قدرت‌های مهمی چون روسیه و حوزه نفوذ امریکا (جنوب خلیج فارس) قرار دارد. قرار گرفتن در مناطقی که قدرت‌های بزرگ، منافع حیاتی برای خود قائل‌اند، به طور طبیعی، جایگاه کشور را در تعامل میان قدرت‌های بزرگ افزایش می‌دهد. از نظر اقتصادی شاهراه‌های بزرگ تجاری جهان در دریا و خشکی یا از ایران یا از نزدیکی ایران می‌گذرند و بر این اساس، ایران با پانزده کشور همسایه دارای مرز آبی و خاکی است. به دلیل اهمیت و حساسیت این موقعیت ژئوپلیتیکی است که قدرت‌های بزرگ، مانع تقویت و نقش‌آفرینی یک ایران ناهماهنگ با نظام بین‌المللی می‌باشند. (ایزدی، ۱۳۹۰: ۴۷-۴۸)

وابستگی پایه‌های اصلی اقتصاد کشورهای توسعه یافته به انرژی نفت و گاز و نیازهای جهانی به ذخایر معدنی و هیدروکربوری موجود از یک طرف و قرارگرفتن جمهوری اسلامی ایران در مرکز بیضی استراتژیک هیدروکربوری جهان در خاورمیانه و آسیای میانه، که منبع اصلی تغذیه انرژی جهان به شمار می‌رود و بخش قابل توجه منابع نفت و گاز جهان را در خود جای داده است، از طرف دیگر، موقعیت جمهوری اسلامی ایران را از لحاظ دسترسی و تسلط بر منابع نفت و گاز و راه‌های انتقال آن، منحصر به فرد می‌کند.

کشور ایران با دارا بودن بیش از ۱۳۰ میلیارد بشکه نفت قابل استحصال و ۲۷ تریلیون مترمکعب گاز و با محاسبه ارزش ذخایر هیدروکربوری کشور (در حدود ۳ هزار میلیارد دلار) و برخوردار بودن برکات الهی برای بیش از یکصد سال آینده، آن هم در حالی که هنوز در پهنه گسترده‌ای از ایران زمین (یعنی ۸۰٪) عملیات اکتشافی صورت نگرفته است، دارای نعمت‌های سرشار الهی در منطقه، بلکه جهان است.

تنگه هرمز به عنوان یک آبراه بین المللی از ارزش استراتژیک خاصی برخوردار است. این تنگه در جنوب غربی آسیا و در امتداد پیشرفتگی آبهای اقیانوس هند در مدخل خلیج فارس قرار دارد که خلیج فارس و دریای عمان را که دارای ماهیت حقوقی متفاوتند به هم می‌پیوند د و کم فاصله ترین منطقه دریای بین شبه جزیره عربستان و فلات ایران است. تنگه هرمز هلالی شکل است که قوس آن رو به شمال و به طرف داخل فلات ایران قرار دارد در نتیجه بیشترین منطقه ساحلی آن در کشور ایران قرار گرفته است شکل این تنگه نمایشگر پیشرفتگی آب در خشکی و تشکیل شبه خلیجی در دهانه خلیج فارس است (حافظ نیا، ۱۳۸۸: ۱۶۱)

با توجه به حیاتی بودن انرژی و نفت برای بقای دنیای صنعتی و در راس آن امریکا، خلیج فارس و به ویژه تنگه هرمز هم‌چنان کانون توجه و مرکز منازعات بین المللی باقی خواهد ماند. عبور بیش از ۴۰٪ نفت خام دنیا از تنگه هرمز اهمیت آن را بیش از پیش نشان می‌دهد تا حدی که بر اساس نظر صاحب نظران تنگه هرمز، مرکز جهان است (امیدوار و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۴۱).

۲- توانایی تأثیرگذاری بر برخی از کشورهای منطقه در خصوص تحولات ژئوپلیتیک

جاری

کنشگری و بازیگری در نظام بین‌الملل کنونی تنها بر مبنای قدرت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. از این رو در بسیاری از مسائل و موضوعات بین‌المللی، نقش بازیگران با توجه به قدرت نمود پیدا می‌کند. در این میان قدرت‌های منطقه‌ای نفوذ و تأثیر خود را بر بحران‌ها و تصمیم‌سازی‌های منطقه‌ای بر جای می‌گذارند.

ایران در چارچوب بندی‌های قدرت در میان قدرت‌های منطقه‌ای جای دارد و این قدرت براساس توانایی‌های ژئوپلیتیک، جمعیتی، نظامی و اقتصادی به دست می‌آید. گفتمان سازی انقلابی و قدرت فرهنگی نیز از مولفه‌های است که توانسته در چارچوب قدرت ایران در سیاست خارجی جای بگیرد و توانایی تأثیرگذاری کشور را چند بعدی کند. این توانایی در قالب حمایت از مستضعفین و مسلمانان جهان و کمک به آنها و نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری، نمود یافته است. در حالی که این گفتمان نقطه مقابل سیاست‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان می‌باشد. با وجود سیاست‌های مغرضانه این کشورها در جهت ایران‌هراسی و ایجاد حصار امنیتی و منزوی ساختن جمهوری اسلامی ایران در میان کشورهای منطقه و جامعه بین‌الملل، اما توان تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی این سیاست‌ها را با شکست روبرو ساخته است. قدرت اثرگذاری ایران در منطقه غرب آسیا مانند شکل‌گیری هسته‌ها و گروه‌های مقاومت، نقش‌آفرینی فعالانه در تحولات کشورهای سوریه، افغانستان، فلسطین، عراق، لبنان و یمن و توافق هسته‌ای با گروه ۵+۱ علیرغم تمام کارشکنی‌ها، نشان دهنده از قدرت جمهوری اسلامی ایران در عرصه نقش‌آفرینی منطقه‌ای است. (توسلی، ۱۳۹۲) ۱

۱- برای مطالعه بیشتر رک: توسلی، حسین (۱۳۹۰/۱۱/۶)، «ویژگی‌های قدرت منطقه‌ای و تطبیق آن با شرایط جمهوری اسلامی»، قابل دسترسی در :

۳- الهام‌بخشی انقلاب اسلامی در سطح منطقه

الهام‌بخشی جمهوری اسلامی در منطقه بر اساس جوهره گفتمان و گفتگو است و نه اعمال زور و تحمیل سیاست‌ها. نکته اینجاست که به دلیل ساختار ضدسطله و ضدصهیونیستی، انقلاب اسلامی جذابیت فراوانی برای توده‌های مردم منطقه دارد و در عمل با الهام‌بخشی غرب در منطقه متفاوت است. به عبارت گویاتر، غرب به واسطه حضور نظامی در منطقه دارای نفوذ است در حالی که آموزه‌های انقلاب اسلامی، الهام بخش گروه‌های مقاومت و جریان بیداری اسلامی می‌باشد.

جمهوری اسلامی ایران که از ابتدا با رویکرد فرهنگی شکل گرفت و دین و مذهب، توکل به خدا، توجه به مردم جزء اصول اساسی آن بوده است. لذا از کشورهایی است که در قدرت نرم ظرفیت‌های بالایی دارد (جعفری پناه، پوراحمدی، ۱۳۹۲: ۱۰۶). انقلاب اسلامی، با تکیه بر ارزش‌های دینی، الگوی جدید از مقاومت و مبارزه با استبداد و استعمار را به نمایش گذاشت، و نوعی از جریان احیاءگری، بیداری فکری و ایدئولوژیک را در منطقه هدایت کرد. انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی تحقق قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید دانست که با اعطای خود باوری فرهنگی و دینی به ملت‌های مسلمان منطقه توانست تاثیر گذار بر رویکرد بیداری اسلامی و احیاء ارزش‌های دینی چون عدالت محوری، آزادی، عزت، کرامت انسانی در خاورمیانه و شمال آفریقا باشد. قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در منطقه نشان داد که دین می‌تواند عنصری تاثیرگذار بر نظام تصمیم‌گیری جهان قلمداد گردد و جهان اسلام با تکیه بر باورها و هنجارهای بومی و اسلامی از توان و قدرتمندی لازم بر شکل دهی ساختارهای اجتماعی و سیاسی برخوردار باشد. انقلاب ایران با صدور فرهنگی و ایدئولوژیکی خود به دنبال احیاء هویت اسلامی و ارزش‌های دینی و تشکیل حکومت‌های مردمی و اسلامی در جهان است که این امر اکنون با تشکیل هسته‌های مقاومت و بیداری اسلامی مردم منطقه و سقوط حکومت‌های دیکتاتوری در خاورمیانه و شمال آفریقا محقق شده است. انقلاب اسلامی با استفاده از قدرت نرم و مولفه‌های فرهنگی، خودباوری را به ملت‌های مسلمان

اعطا کرد که می‌توان با شناخت دقیق از فرهنگ اسلامی و باز تعریف آرمان‌هایی چون استقلال، آزادی، عزت و عدالت و با تکیه بر الگوی تفکر، آگاهی، تصمیم‌گیری و اطلاع‌رسانی باب خلاقیت اسلامی را گشود. از همین رو، این انقلاب سبب شد، دین و معنویت در سطح جهان احیا شود (صالح، شهابی، ۱۳۹۱: ۵۳). ۴- انسجام ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران.

ایران یک دولت ملی قوی دارد و این مؤلفه ویژگی و جایگاه خاصی به ایران در منطقه می‌دهد. ایران بخش مهمی از تمدن خاورمیانه است که آن را به تمدن جهانی وصل می‌کند. سابقه حضور تاریخی - فرهنگی ایران در منطقه بی نظیر است. یکپارچگی ارضی، مصمم و مستقل بودن و تلاش دائم برای پیشرفت و توسعه بخشی از ویژگی‌های مهم دولت ایرانی است. به دلیل وجود همین ویژگی‌ها، دولت ایرانی توانسته در طول تاریخ گذشته و حال، استقلال خود را حفظ کند. همزمان ایران توانسته است ارتباطات تاریخی، فرهنگی و سیاسی خود را با ملت‌ها و دولت‌های منطقه به خصوص محیط اطراف خود حفظ کند و از این لحاظ نگاه بسیاری از ملت‌ها و دولت‌های منطقه از جمله، افغانستان، آذربایجان و عراق به ایران توأم با احترام است. حتی دولت‌های رقیب تاریخی ایران همچون ترکیه و روسیه نیز به دلیل این ویژگی‌ها به ایران توأم با احترام می‌نگرند. در این میان ایران با دارا بودن یک دولت ملی قوی به راستی یک استثناء به حساب می‌آید.

ضعف‌ها و محدودیت‌های ایران در تحولات ژئوپلیتیک منطقه

نقطه ضعف نوعی محدودیت یا کمبود در منابع، مهارت‌ها و امکانات و توانایی‌هایی است که بطور محسوس مانع عملکرد اثر بخش فرد، نهاد یا کشوری بشود. برخی نقاط ضعف ایران عبارتند از:

۱- عدم حضور و نقش آفرینی مؤثر در سازوکارهای بین‌المللی و منطقه‌ای

نقش ایران در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی طی دوره‌های زمانی مختلف متأثر از عوامل متعددی بوده‌است. از جمله این عوامل، شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، چگونگی مواضع اکثریت دولت‌های خارجی در قبال ایران و به طور کلی وجهه سیاسی کشور در دنیای خارج، میزان همکاری کارکنان دولتی و نهادها با یکدیگر، دیدگاه و نوع نگرش مدیران به همکاری‌ها در سطح منطقه و جهان و نیز تعاریف و برداشت‌ها از منافع ملی و ارزش‌ها بوده‌اند. این عناصر بر عملکردها و روابط با دنیای خارج به طور کلی، و سازمان‌های بین‌المللی به طور خاص مؤثر بوده‌اند. گاه حرکت‌های تبلیغاتی و اعلام مواضع در مجامع رسمی و مطبوعاتی به اوج رسیده‌اند و گاه فعالیت‌ها در سطح کارشناسی و مذاکراتی گسترش یافته‌اند.

به دلیل داشتن مواضعی اصولی خاص و خصومت‌های برخی از کشورهای غربی، کشور ایران غالباً با چالش‌هایی در قبال مسائلی مانند وضعیت منطقه، تعریف نهضت‌های آزادیبخش، خلع سلاح، امور هسته‌ای و حقوق بشر در مجامع جهانی بوده است. در تجولات جاری منطقه نیز اکثر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به دنبال انزوا و انفعال ایران و جلوگیری از حضور و نقش آفرینی در حل و فصل مسایل منطقه بوده‌اند. به طور مثال در قضیه سوریه اجلاس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی متعددی در قالب سازمان‌ها و سازوکارهای مختلف با حضور کشورهای غربی و عربی بدون حضور ایران برگزار گردید که طبیعتاً به علت عدم عضویت و حضور ایران تصمیمات و برآیند مصوبات این اجلاس‌ها در راستای منافع و امنیت ملی ایران قرار نداشته است. البته اخیراً کشورهای غربی بیخ و ویژه آمریکا با پی بردن به مواضع اشتباه قبلی، در اجلاس‌های ژنو مربوط به بحران سوریه مجبور به دعوت از ایران شده‌اند.

از دیگر نقاط ضعف در اقدامات ایران عدم ایجاد ائتلاف در منطقه در راستای تامین منافع ملی است. ایران همواره فاقد متحد راهبردی بوده و به تعبیری ایران در بین اعراب، ترک‌ها و سایر دول و ملت‌ها قرار دارد و با هر یک از آنها وجوه اشتراکی متعددی دارد

ولی جزو هیچ یک از آنها نیست. از این دیدگاه " ایران به عنوان یک کشور شیعه بامحدوده‌ی مرزی سنی نشین و با گذشته باستانی مبتنی بر ایرانیت و همین طور به عنوان یک کشور مبتکر و پیشرو اندیشه سیاسی، نسبت به همسایگان خود بسیار ممتاز است. همچنین ویژگی‌های سیستم‌های اقتصادی و فرهنگی ایران با همسایگان شمالی و شرقی نیز متفاوت است و اساساً این کشورها نمی‌توانند همدیگر را تکمیل کنند لذا ایران با این کشورها نمی‌تواند وارد ائتلاف و همگرایی شود. به واسطه این تفاوت‌های اساسی، ایران چه از ناحیه جنوب با اعراب، چه از ناحیه‌ی شمال با ترک‌ها و چه از طرف شرق با هند و پاکستان نتوانسته ائتلاف کند و همیشه خاص مانده و رفتار کرده است. (سریع‌القلم، ۱۳۷۹:

(۵۶

۲- عدم تنش زدایی و اعتمادسازی با برخی کشورهای منطقه

نظریه شکاف فرهنگی - اجتماعی معتقد به وجود شکاف‌های عمیق در ساختار فرهنگی - اجتماعی و تاریخی در مناسبات ایران و کشورهای همسایه عرب است که هر گونه زمینه توسعه و تداوم همکاری‌ها در حوزه‌های سیاسی امنیتی و اقتصادی را دشوار می‌سازد. هنوز بسیاری از بدبینی‌ها و تصورات گذشته وجود دارد که مانع از همکاری و نزدیکی بین دو طرف می‌شود (Naghibzadeh, 2000:85). همچنین از این دیدگاه ایران هم به لحاظ قومی، هم از حیث مذهبی و هم از لحاظ سیاسی با اعراب احساس بیگانگی می‌کند و بحران مشروعیت و امنیت در دنیای عرب به این شکاف سیاسی - فرهنگی دامن زده است. در مقابل اعراب نیز به ایران حداقل به عنوان یک همسایه نامطمئن و درمورد بعضی از دول عربی به عنوان دشمن می‌نگرند. (برزگر، ۱۳۸۷: ۶۵۴) بنابراین وجود چنین شکاف‌های ساختاری و فرهنگی مانع از نزدیکی دو طرف در حل و فصل مسایل منطقه می‌شود. تداوم چنین وضعیتی، منجر به نفوذ و نقش آفرینی بیگانگان و از دست رفتن زمینه‌های قدرت منطقه‌ای ایران می‌شود.^۱

^۱ برای اطلاع بیشتر بنگرید به: نقیب زاده، احمد (۱۳۷۵). " بررسی جایگاه جمهوری اسلامی ایران

در نظام منطقه ای " فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال سوم، شماره یک

در جمع بندی باید گفت تغییر دولت های جمهوری اسلامی ایران موجب تغییر اولویت ها در سیاست خارجی شده است و منطقه آسیای جنوب غربی به عنوان مهمترین منطقه کمتر مورد تمرکز و اولویت قرار گرفته است و برنامه و سیاست متمرکز و درازمدتی در تنش زدایی در روابط با همسایگان و قدرت های اثرگذار منطقه وجود ندارد. علاوه بر این می توان ضعف در تغییر نگرش بعضی از کشورهای منطقه نسبت به جمهوری اسلامی ایران و فقدان درک مشترک کامل نسبت به تحولات منطقه ای بین مسئولان حوزه سیاست خارجی از جمله محدودیت ها و ضعف های ایران در ارتباط با تحولات منطقه محسوب می شود.

فرصت های ایران در تحولات ژئوپلیتیک منطقه

فرصت ها به معنای وجود زمینه مطلوب در محیط بیرونی برای فرد، سازمان و یا کشوری که از طریق بهره برداری آن، می توان به نتایج یا عواید قابل توجهی دست یافت. همچنین فرصت ها وضعیتی هستند که به کشورها این توانایی را می دهند تا با بهره گیری صحیح از آنها، اهداف ملی خود را کسب و تهدیدات را دفع نمایند. برخی از فرصت های ایران ر تحولات جاری در منطقه عبارتند از:

۱- موج بیداری اسلامی در منطقه

یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر مسائل راهبردی منطقه آسیای جنوب غربی، گسترش موج بیداری اسلامی در این منطقه است که از سال ۱۳۸۹ آغاز و به بسیاری از کشورهای منطقه در حوزه جنوب غربی آسیا، خلیج فارس و شمال آفریقا گسترش یافته است. در سطح منطقه ای، بیداری اسلامی بیش از هر زمان دیگری موازنه قدرت در خاورمیانه را دستخوش تغییر و دگرگونی کرده است. (فرازی، ۱۳۹۱)

بیداری اسلامی بر روابط کنونی بین کشورهای منطقه و همچنین همکاری های آینده این کشورها تأثیرگذار است، در تحولات اخیر منطقه خاور میانه اگر چه در کوتاه مدت باعث بروز چالش های سیاسی مانند تفاوت رویکردهای کشورهای منطقه به تحولات و انقلاب های عربی و اختلافات سیاسی بین کشورهای منطقه، بی ثباتی در کشورهای منطقه و

در نتیجه اولویت بالاتر مسائل سیاسی-امنیتی نسبت به مسائل اقتصادی و فرصت‌هایی مانند سقوط دیکتاتورهای وابسته و قدرت گرفتن گروه‌های اسلام‌گرا در منطقه شده است؛ ولی در بلندمدت با برقراری ثبات در کشورهای منطقه، افزایش نقش مردم در اداره کشورها، استقلال بیشتر کشورهای منطقه، تقویت اسلام‌گرایی و افزایش مطالبات اقتصادی مردم و پیوند کارآمدی اقتصادی و مشروعیت سیاسی حکومت‌های جدید، فرصت مناسبی برای کشورهای منطقه جهت برقراری همکاری‌های اقتصادی جدی‌تر و عمیق‌تر ایجاد خواهد گردید. (پورمحسنی، ۱۳۹۱)

بیداری اسلامی که متأثر از انقلاب اسلامی است، دسته‌بندی‌های قدرت را در این منطقه، تحت تأثیر قرار داده است (امیرزاده، ۱۳۹۱) همچنین بیداری اسلامی با تأثیرگذاری بر نظم منطقه‌ای موجود، اهداف و منافع بازیگران منطقه را تحت تأثیر قرار داده است. در اثر بیداری اسلامی نظم پیشین در خاورمیانه دچار تغییرات جدی به زیان منافع آمریکا شده است. (دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ۱۷۱)

بیداری اسلامی به سلسله تغییراتی در شرایط منطقه منجر شد که نه تنها توسط آمریکا طرح‌ریزی نشده بود، بلکه این کشور را با چالشی جدی مواجه ساخت. (فرازی، ۱۳۹۱) گرچه در مقطع فعلی با دخالت آمریکا و همراهی متحدان عرب این کشور با موج بیداری اسلامی برخورد سختی شده اما هیچ قدرتی توان نابودی این موج را ندارد.

ناتوانی آمریکا و متحدانش در کاهش نقش ایران در منطقه و انجام تغییرات دلخواه، نشان دهنده کاهش نفوذ و تأثیرگذاری آمریکا بر موازنه قدرت در منطقه و ناکامی در شکل‌دهی به نظم موردنظر این کشور است. (Pollack, 2012)

به‌طور خلاصه فرصت‌ها جمهوری اسلامی ایران در قبال بیداری اسلامی عبارت است

از:

-مخالفت نهضت‌های انقلابی با سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا.

-تبعات منفی انقلاب‌های منطقه برای رژیم صهیونیستی.

-سقوط سران مرتجع وابسته و مخالف انقلاب اسلامی ایران.

- افزایش مطالبات اسلامی و قدرت گیری گروه‌های اسلام‌گرا در کشورهای انقلابی.
- افزایش حمایت‌های مردمی و منطقه‌ای از مطالبات مردم فلسطین.
- افزایش فضای عمل منطقه‌ای برای ایران.

۲-زمینه‌های مشترک فرهنگی، تاریخی با برخی از کشورهای منطقه

یکی از مهمترین اشتراکات فرهنگی ایران که به عنوان مهمترین عامل پیوند دهنده میان کشورهای منطقه است، دین اسلام است. در حقیقت زبان اسلام بهترین ابزار برای مفاهمه و گفت و گو میان کشورهای مسلمان محسوب می‌شود تا با استفاده از زمینه‌ها و اشتراکات اسلامی، در حوزه منطقه ای و بین المللی نقش آفرینی کنند. (حسینی، ۱۳۹۲: ۶۹۳ جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی همواره در تلاش بوده است با مطرح کردن الگویی به نام جهان اسلام، امت واحده اسلامی میان کشورهای مسلمان وحدت ایجاد نماید تا این کشورها بتوانند نقش فعال تری در عرصه جهانی ایفا نمایند. در حقیقت دین اسلام برای ایران در چهار مقوله می‌تواند برای ایران فرصت محسوب شود: اول: ویژگی های اسلامی و ماهیت احیای آن در منطقه ، دوم: تاثیر اسلام بر سیاست های داخلی و همبستگی اجتماعی، سوم. تاثیر موضوعات اسلامی بر روابط اقتصادی و دیپلماتیک کشورهای آسیای جنوب غربی ، چهارم اهمیت اسلام برای امنیت منطقه ای.

۳-شکست برخی سیاست‌های آمریکا در منطقه در سال‌های اخیر

طرح خاورمیانه بزرگ از اواخر سال ۲۰۰۲ و پس از حمله آمریکا به افغانستان و در آستانه حمله به عراق در اوایل سال ۲۰۰۳ در قالب رویکردی جدید در سیاست خارجی آمریکا در قرن ۲۱ عنوان شد. این طرح مدعی بسط و نشر دموکراسی و آزادی به خاورمیانه و شمال آفریقا بود. در حقیقت آمریکا با طرح خاورمیانه بزرگ چهار هدف را دنبال می‌نمود تضمین امنیت رژیم صهیونیستی، تضمین تداوم جریان انرژی، مقابله با رشد جریان‌های اسلام‌گرا، تلاش برای روی کار آوردن رژیم‌های سکولار در منطقه (واعظی، ۱۳۸۵: ۲۵)

طرح خاورمیانه بزرگ ۱ در حوزه عمل و اجرا با تضاد ثبات در مقابل تغییر و دگرگونی مواجه گردید. حقیقت همین امر موجب شد که آمریکا نتواند نوع حکومت لیبرال دموکراسی به معنای واقعی را دنبال کند.

ناکامی و شکست آمریکا در تامین اهداف جنگ‌های منطقه‌ای از دیگر فرصت‌های بوجود آمده در تحولات جاری برای ایران است. در تحولات جدید عراق آمریکا بارها جهت مقابله با تروریسم به انجام عملیات های نمایشی علیه داعش و گروه های تکفیری نموده است تا بتواند جایگاه خود را در عراق و منطقه تثبیت نماید، اما بسیاری از کارشناسان معتقدند آمریکا با وجود تبلیغات فریبنده فراوان مبتنی بر پیروزی، ناکامی‌های فراوانی در داخل عراق داشته است که به اهم آن می‌توان اشاره نمود: ۱. ناتوانی در سرکوب تروریسم، ۲. ناتوانی در روی کار آوردن دولتی دست نشانده، ۳. ناتوانی در تامین امنیت بغداد، ۴. عجز در جلوگیری از قتل روز افزون سربازان آمریکایی (پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۸۵) ۶. ناکامی در ایجاد دموکراسی نمونه و عراق آزاد، ۷. عجز در جلوگیری از افزایش نفوذ معنوی جمهوری اسلامی ایران در عراق، ۸. ناکامی در اجرای سیاست های

اعلامی مبنی بر مبارزه علیه داعش.

از دیگر ناکامی سیاست های آمریکا در منطقه، تامین نشدن اهداف آمریکا و هم پیمانانش در افغانستان است. صحنه افغانستان به خوبی نشانگر آن است که آمریکا در اتخاذ سیاست های خود دچار اشتباه شده است و از حمله به افغانستان نتوانست به اهداف سیاسی و امنیتی خود نایل شود و با دستاوردهای محدودی روبه رو گردید.

یکی از نخستین بندهای دستور کار دولت اوباما این بود که نقش دیپلماسی در سیاست خارجی ایالات متحده در قبال سوریه، ممکن است سنگین تر از قوه قهریه باشد. (میراینچ

۱. جهت اطلاع بیشتر، رک :

واعظی، محمود (۱۳۸۶)، «زمینه های سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا و ناکامی آن»، معاونت پژوهش های سیاست

خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، قابل دسترسی در :

بی.جونز، ۱۳۹۰: ۱۲-۱۵) از این رو از سال ۲۰۰۹ رویکرد جدیدی را نسبت به سوریه آغاز کرد اما بعداً دولت آمریکا اقدام به تشکیل و تجهیز گروه های تروریستی در منطقه از جمله سوریه کرد. این اقدام با هدف سقوط رژیم بشار اسد و تامین امنیت رژیم صهیونیستی از یک سو و ایجاد ناامنی جهت رسیدن به برخی اغراض سیاسی خود در منطقه مانند فروش تسلیحات برای مدیریت بحران اقتصادی داخلی و تسری دادن ناامنی به درون مرزهای کشورهای ناهم سو با سیاست های ایالات متحده صورت گرفت. کوتاه کردن دست ایران و روسیه از منطقه شامات که دارای اهمیت راهبردی است، از دیگر دلایلی است که ایالات متحده نمی تواند به آسانی از کنار آنها عبور کند. (باباجانی پور، ۱۳۹۲: ۱۲۰) در حقیقت این اقدام ثمره مثبتی برای آمریکا نداشت.

پس از آنکه راهبرد تجهیز گروه های تروریستی (تندرو) به شکست انجامید، آمریکا برنامه آموزش مخالفان به اصطلاح میانه رور در سوریه را در دستور کار وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) قرار داد. در واقع مقامات آمریکایی مدعی بودند با مسلح کردن مخالفان به اصطلاح میانه رو در سوریه و آموزش آنان می توانند هم بر دولت و هم بر گروه های افراطی در این کشور پیروز شوند، اما پس از صرف صدها میلیون ها دلار برای اجرای برنامه آموزش شبه نظامیان هیچ نتیجه مثبتی نداشت. ژنرال لوید جی اوستین، فرمانده ارتش امریکا در عراق و سوریه، اعتراف کرد برنامه پنتاگون برای شناسایی، آموزش و مسلح کردن ۵ هزار و ۴۰۰ شبه نظامی برای مبارزه با تروریست های داعش، شکست خورده است (پایگاه اطلاع رسانی پرس تی وی، ۱۳۹۴/۶/۲۷)

تهدیدهای ایران در تحولات ژئوپلیتیک منطقه:

تهدید در لغت به معنای ترساندن و بیم دادن است و در اصطلاح به معنای هر چیزی که ثبات و امنیت یک کشور را به خطر اندازد، همچنین تهدید هر اقدام و تحرک بالقوه و احتمالی سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی که موجودیت و اهداف حیاتی فرد، نهاد یا کشوری را به خطر بیندازد، و نیز موانعی که ما را از رسیدن به هدف بازداشته و یا باعث کاهش سرعت در دستیابی به هدف شود، اطلاق می گردد.

۱- حضور و نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای در منطقه

ورود و درک و سیاست خارجی بازیگران فرامنطقه‌ای در حوزه آسیای جنوب غربی، مسائل منطقه‌ای را پیچیده تر کرده است. در رأس دخالت‌ها آمریکا قرار دارد که خود را در مقابل ایران تعریف می‌کند. آمریکا با تصور این که دارای توانایی برتر برای سازماندهی به یک نظم جدید آمریکایی در منطقه است به راهبردهای یک جانبه‌گرایانه روی آورده است که علیه جمهوری اسلامی جهت‌گیری مستقیم دارد. (قالیباف و پورموسی، ۱۳۸۷:

(۵۵)

از این رو آمریکا در صدد است با اعمال نفوذ مستقیم و از طریق هم پیمانان خود، نقش جمهوری اسلامی ایران را در منطقه کم‌رنگ سازد. (میرطاهر و سپهریان، ۱۳۸۱: ۶۵) به‌طور کلی دولت آمریکا سعی کرده است تا از طریق تقویت سازوکارهای اقتصادی منطقه‌ای، به روند انتقال انرژی از شرق به غرب کمک کند و برای حل و فصل منازعات در جهت منافع خود اقدام کند. هدف این کشور این است که بدین وسیله امکان نفوذ ایران و روسیه کاهش یابد و معادلات منطقه‌ای به نحوی شکل گیرند که منافع غرب تأمین شود. (کرمی، ۱۳۸۷: ۱۴)

از زیرسیستم‌های دیگر حوزه آسیای جنوب غربی که آمریکا نقش آفرینی می‌کند، حوزه خلیج فارس است. در میان قدرت‌های بزرگ جهانی، قدرت‌های غربی یعنی آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی توجه و علاقه مندی بیشتری برای حضور و تأثیرگذاری در خلیج فارس دارند (واعظی، ۱۳۸۹: ۸۷). آمریکا در منطقه خلیج فارس نیز اهداف خاصی دنبال می‌کند. با توجه به اهمیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک خلیج فارس، آمریکا جایگاه ویژه‌ای برای این منطقه قائل است. در این باره حفاظت از دسترسی به آبراه‌ها و منابع اولیه، تمرکز منافع آمریکا در خلیج فارس، نگرانی‌های آمریکا در خلیج فارس از عدم استمرار جریان نفت خلیج فارس و وجود پنج کشور از هشت کشور جهان که عمر ذخایر ثابت شده آن‌ها به بیش از ۵۰ سال در حوزه خلیج فارس می‌رسد و استمرار

نیازهای ژاپن، اروپا و چین به نفت منطقه، از مسائل مهم خلیج فارس است. (تخشید و متین، ۱۳۹۰: ۲۱۸)

راهبردهای کلان آمریکا در منطقه خلیج فارس عبارت‌اند از:

- حمایت از منابع نفتی و تضمین تداوم تزریق آن به جهان غرب و به‌ویژه آمریکا و حمایت از قیمت‌های پایین و تا حدی ثابت آن؛
- حفظ منطقه به‌عنوان بازار مصرف برای کالاها و خدمات آمریکایی و همچنین برای فروش تسلیحات آمریکایی در سطح منطقه؛
- حمایت از هم‌پیمانان آمریکا در منطقه، همچنین تضمین ثبات و امنیت کشورهای عربی طرفدار و پشتیبان آمریکا در سطح منطقه.
- رهبری ترتیبات امنیت منطقه‌ای خلیج فارس، تثبیت قدرت آمریکا و جلوگیری از تقویت کشورهای معارض با این کشور.
- رویارویی با اسلام‌گرایی، برخورد با تهدیدات داخلی و خارجی و نوع رابطه آن‌ها با ایالات متحده و رژیم صهیونیستی. (عظیم زاده، ۱۳۹۱)
- در مجموع سیاست‌های آمریکا در منطقه آسیای جنوب غربی کاملاً در تضاد با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و نقش آفرینی ایالات متحده در منطقه در هر زیرسیستمی که صورت پذیرد، تهدید جدی برای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

۲- نقش آفرینی کشورهای منطقه (ایجاد تنش‌های منطقه‌ای)

عربستان سعودی یکی از کشورهای مهم در منطقه است که نقش زیادی در مسائل راهبردی منطقه دارد. عربستان به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای آسیای جنوب غربی، در زیر سیستم خلیج فارس قدرت برتر حاشیه جنوبی محسوب می‌شود. (رضایی و مبینی دهکردی، ۱۳۹۰: ۲۶۹)

عربستان در حوزه شبه قاره هند به‌ویژه در پاکستان و در سرزمین فلسطین با جمهوری اسلامی ایران در رقابت است. از سال ۲۰۰۳ به بعد با سرنگونی رژیم صدام حسین، عراق یکی از صحنه‌های فعالیت‌های گسترده عربستان و رقابت جدی با سیاست‌های جمهوری

اسلامی ایران محسوب می‌گردد. ترویج وهابیت و حمایت از فعالیت‌های این فرقه از سیاست‌های اصلی عربستان در عراق، افغانستان و پاکستان محسوب می‌شود. گرچه عربستان هنوز موفق به نفوذ و ایفای نقش جدی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز نشده، اما این هدف را در سال‌های اخیر عمدتاً در حوزه فرهنگی مانند ساخت مساجد و کمک مالی به فرق خاص تعقیب نموده است. (امیر احمدیان، ۱۳۷۷: ۴۸)

دولتمردان عربستان تدوین راهبرد کلان این کشور برای سال ۲۰۲۵ را از سال ۱۹۹۸ آغاز نموده‌اند. سند چشم‌انداز ۲۰۲۵ عربستان عمدتاً بر مؤلفه‌های اقتصادی تأکید نموده و به منظور حصول اطمینان از حرکت اقتصاد در مسیر صحیح و برای ایجاد تحول شاخص‌های معینی تعیین گردیده است. (رضایی و مبینی دهکردی، ۱۳۹۰: ۱۴۹)

عربستان به‌عنوان بازوی منطقه‌ای آمریکا در وضعیت کنونی، نقش مهمی را بازی می‌کند. این کشور به دلیل ماهیت حکومتش، با تهدید سقوط روبرو است. اما با توجه به توانایی‌های اقتصادی و امنیتی که دارد تلاش می‌کند موج قیام‌های عربی را مهار کند (Milani, ۲۰۱۱).

تحولات اخیر آسیای جنوب غربی رویکرد سیاست خارجی عربستان را تغییر داد بازیگران تاثیرگذار منطقه نگران برهم خوردن توازن قدرت به ضرر خود هستند و تلاش می‌کنند در نظم یا الگوی جدیدی که شکل خواهد گرفت، منافع خود را به بهترین شکل تامین کنند عربستان با پشتوانه کشورهای فرامنطقه اقدام به ماجراجویی منطقه ای نموده است که موجب تنش های جدی در منطقه آسیای جنوب غربی شده است. کشور عربستان در صدد نقش آفرینی بیشتر در منطقه است و می خواهد خود را به عنوان یک قدرت منطقه ای مطرح نماید. پس از بوجود آمدن موج بیداری اسلامی و گرایش بسیاری از ملت ها به سمت اسلام سیاسی، حکومت های دموکراتیک موج نگرانی زیادی را در کشور عربی بخصوص عربستان بوجود آورد. بدین سبب عربستان جهت حفظ ساختار داخلی خود و حکومت های دیکتاتور همسو با عربستان وارد عرصه منطقه ای شد. همچنین همسو شدن سیاست های کشورهای عربی مانند عراق، لبنان و سوریه و یمن ضربه بزرگی به جایگاه

عربستان به عنوان قدرت برتر کشورهای عربی وارد ساخت. عربستان با هدف مقابله با تغییر موازنه معنوی و مادی قدرت، به زیان خود و متحدان محافظه‌کارش، دست به اقداماتی علیه ایران، دولت‌های عراق و سوریه و گروه‌های حزب‌ا... و انصارا... زده است. همچنین برخی اقدامات تحریک‌آمیز عربستان علیه ایران مانند ائتلاف عربی - صهیونیستی جهت کارشکنی در مذاکرات هسته‌ای ایران، مدیریت ضعیف حج و فاجعه کشتار مسلمانان درمنام، کشتار شیعیان عربستان و اعدام آیت‌ا.. شیخ النمر، قطع رابطه با ایران و همراه کردن برخی کشورهای عربی از جمله تنش‌های مستقیم عربستان نسبت به ایران بوده است که در بردارنده تهدیدات علیه ایران است.

ترکیه نیز یکی دیگر از کشورهای مهم و تأثیرگذار در منطقه آسیای جنوب غربی محسوب می‌شود.

ایران و ترکیه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای درصدد تأثیرگذاری و نفوذ در منطقه هستند. به دلیل همراهی ترکیه با سیاست‌های آمریکا در منطقه، این کشور از حمایت‌های زیاد آمریکا برخوردار است و توانسته تا حدودی نقش و حضور روسیه و جمهوری اسلامی ایران را در منطقه کم رنگ سازد و خود یکه تاز این عرصه باشد. (امیر احمدیان، ۱۳۸۵: ۱۹)

اما رویکرد ترکیه در تحولات جدید منطقه جنوب غربی آسیا موجب پیچیده‌تر شدن تحولات شده است. بازیگران تأثیرگذار منطقه نگران برهم خوردن توازن قدرت به ضرر خود هستند و تلاش می‌کنند در نظم یا الگوی جدیدی که شکل خواهد گرفت، منافع خود را به بهترین شکل تامین کنند و نقش فعالی در آینده منطقه ایفا کنند، ترکیه در تحولات اخیر منطقه خاورمیانه فعالانه‌تر و شاید مواجهه جویانه‌تر و جاه طلبانه‌تر عمل می‌نماید. امروزه ترکیه در امور منطقه مشارکت بیشتری از خود نشان می‌دهد اگر چه ترکیه تحت زمامداری حزب عدالت و توسعه، حدود یک دهه تلاش کرد که خطوط پرتنش و مملو از اشتباه داخلی را کاهش داده و آرامش در داخل را مستقر کند و اختلافاتش را با همسایگان به صفر برساند، اما در ژئوپلیتیک جدید حال شکل‌گیری در منطقه با اتخاذ سیاست‌های

اشتباه که برخی از آن به نئوعثمانیسم یاد می‌کنند، موجب افزایش اختلافات با برخی از کشورهای منطقه شده است.

به زعم ترکیه، ایران در ژئوپلیتیک جدید منطقه توازن را به نفع خود تغییر داده است و این با علایق و منافع منطقه‌ای ترکیه سازگار نیست. از نگاه سیاستمداران ترک گروه‌هایی مانند داعش می‌توانند ابزاری برای مهار تهدیدهای سنتی برای ترکیه باشند، هم چنین مقابله با کردها در عراق و سوریه که هم خویشان کردهای ترکیه هستند. کردستان عراق به همکاری ترکیه بیش از گذشته نیاز پیدا کرده است. ترکیه از این طریق علایق استقلال طلبانه کردها در عراق و سوریه را مهار می‌کند. مسئله کردها برای ترکیه در ژئوپلیتیک جدید از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است زیرا ترکیه می‌داند که در وضعیت جدید، امکان تشکیل دولت مستقل کردی با حمایت آمریکا و غرب وجود دارد، پس فعالانه وارد صحنه شده تا در سرنوشت منطقه نقش آفرین شود.

رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر در برقراری روابط بسیار نزدیک نظامی و اقتصادی با برخی کشورهای منطقه، به ویژه ترکیه، ازبکستان و جمهوری آذربایجان موفقیت‌های زیادی به دست آورده است. روابط راهبردی رژیم صهیونیستی با آمریکا و حمایت‌های وسیع نظامی و تبلیغاتی آمریکا از این رژیم، حفظ برتری تسلیحاتی در عرصه هسته‌ای، افزایش قدرت اقتصادی به طور همزمان با هدف تضعیف اقتصادی کشورهای دیگر منطقه و به ویژه ایران، بزرگ‌نمایی تهدیدهای امنیتی ناشی از ایران (افریم، ۱۳۷۴: ۴۲)، تبلیغ در مورد تلاش ایران برای رسیدن به تسلیحات هسته‌ای، مسأله بنیادگرایی اسلامی و طرفداری جمهوری اسلامی ایران از آن، القای نقش ایران در کارشکنی در فرایند صلح در منطقه (امیری، ۱۳۷۴: ۲۰)، تخریب روابط ایران با دنیای خارج و تاثیرگذاری بر روابط سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای، از جمله تهدیدات رژیم صهیونیستی برای منطقه و ایران محسوب می‌شود.

۳- وجود اختلافات و منازعات مرزی کشورهای منطقه

یکی از بزرگترین تهدید های منطقه وجود اختلافات مرزی بین کشورهای منطقه است. وجود این اختلافات در برهه های متعدد تاریخی زمینه ساز تنش های جدی حتی جنگ بین کشورهای منطقه شده است. پرسکات از چهار نوع منازعه مرزی نام می برد که همه آنها را امروزه می توان در منطقه آسیای غرب و زیرسیستم های آن یافت. (ساعی، ۱۳۹۲) منازعات مکانی، منازعات سرزمینی، منازعات عملکردی و منازعات مربوط به منابع در دو سوی مرز. اکثر مرزهای منطقه « مرزهای تحمیلی» هستند زیرا قدرت های غربی آنها را تعیین کرده اند. (هاگت، ۱۳۷۹: ۳۷۸) این مسئله موجب شد است منطقه آسیای جنوب غربی بیش از هر جای دیگر در دنیا صحنه منازعات باشد و این می تواند تهدید برای همکاری کشورهای منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران باشد. در تحولات جاری نیز اختلافات گذشته بین کشورها از جمله اختلافات یا ادعاهای ارضی بر همکاری برای حل و فصل مسایل منطقه سایه انداخته و موانع جدی بوجود آورده است که از جمله می توا به اختلافات مرزی قطر با بحرین و عربستان و ادعای ارضی امارات متحده عربی درباره جزایر سه گانه ایرانی اشاره نمود.

۴- امنیتی شدن چهره جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه (ایران هراسی)

یکی از موانع جدی برای توسعه هر کشوری به خصوص کشورهایی که در یک منطقه خاص از قدرت بالقوه هژمون شدن برخوردارند، وجود ترس و عدم اعتماد کشورهای منطقه از قدرت گیری آن کشور به خصوص است. هر چند طبق نظر واقع گرایان قدرت گیری یک کشور نگرانی همسایگان از فزونی قدرت کشور مورد نظر را به وجود می آورد اما این نگرانی می تواند با اطمینان دادن به کشورهای منطقه مبنی بر صلح آمیز بودن توسعه کشور کاهش پیدا کند. کشورهای عرب منطقه خلیج فارس تمام تلاش خود را به کار می گیرند تا از هژمونی ایران در منطقه جلوگیری کنند. البته نباید تبلیغات کشورهای غربی به خصوص آمریکا علیه ایران را فراموش کرد. ترس از ایران برای شرکت های اسلحه سازی غربی سود فراوانی دارد که موجب انعقاد قرارداد های خرید چند ده میلیارد دلاری

تجهیزات نظامی کشورهای عربی جنوب با شرکت های غربی در هر سال است. ایران هراسی در منطقه یکی از چالش های امنیتی و سیاسی و مانع جدی برای توسعه روابط ایران با اعراب است، بنابراین لازم است که مقامات کشور راهی برای این مشکل پیدا کنند زیرا در دنیای کنونی توسعه بدون همکار دیگر کشورها به خصوص همسایگان بدست نمی آید.

۵- گسترش افراط گرایی و نشر عقاید سلفی و تروریستی در منطقه

گسترش افراط گرایی مذهبی در منطقه و اطراف ایران، نزاع مذهبی و ایجاد اختلافات در منطقه را تشدید می کند که پیامد منفی آن، برای منطقه و جمهوری اسلامی ایران نیز تهدید امنیتی و سیاسی به همراه دارد. افراط گرایی، امری منطقه ای است که از توان بی ثبات سازی بالایی برخوردار می باشد. در حال حاضر، جریان افراطی در پاکستان و افغانستان، عربستان، عراق، یمن، آسیای مرکزی در حال فعالیت است. ریشه بسیاری از افراط گرایی در منطقه عقاید سلفی و وهابیت است. امروزه بر کسی پوشیده نیست که نشر عقاید سلفی ریشه در کشورهای عرب جنوب خلیج فارس دارد. اندیشه وهابیت در عربستان یکی از سرمنشاء های عقاید سلفی است. عربستان سعودی برای رسیدن به اهداف خود به شدت از این گروه ها حمایت می کند، که نمونه آن گروه هایی مانند داعش، بوکوحرام، جبهه النصره در سوریه قابل مشاهده است. ۱. باتوجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران در یک منطقه حساس ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی قرار گرفته است، وجود اختلافات فرقه ای، افراط گرایی دینی و تروریستی موجب تحلیل رفتن تمرکز جمهوری اسلامی ایران چه در حوزه داخلی و چه در حوزه ی منطقه ای می شود.

۱. برای مطالعه بیشتر رک :

شیعه نیوز (۱۳۹۳/۱۱/۲۳)، جامعه شناسی شکل گیری تروریسم سلفی - تکفیری، قابل دسترسی در:

۶- بی‌ثباتی در ساختار سیاسی برخی از کشورهای منطقه

یکی از عوامل ثبات در کشور انسجام و استحکام دولت - ملت می باشد. در منطقه به استثناء ایران و ترکیه، هیچ کشور دیگری چنین ویژگی را ندارد. برای نمونه دو همسایه شرقی ایران، افغانستان و پاکستان دارای چنین موقعیتی نیستند. عدم وجود ثبات لازم در کشورهای افغانستان و پاکستان، ریشه در عوامل متعدد ساختاری و سابقه مداخلات بیگانه در این کشورها دارد. در افغانستان، دولت تنها بر بخش‌های محدودی از کشور احاطه دارد و نیروهای نظامی طالبان هنوز فعالند. در پاکستان نیز وجود مشکلات سیاسی و معضل هویتی که یکدیگر را تشدید می‌کنند، موجب بی‌ثباتی بیشتر و اختلاف میان گروه‌ها و اقوام مختلف و در نهایت ضعف دولت شده است. (واعظی، ۱۳۸۹: ۱۲) در حوزه قفقاز و آسیای میانه بسیاری از کشورها پس از فروپاشی شوروی و استقلال آن‌ها همچنان ساختار منسجم داخلی و سیاسی پیدا نکرده‌اند و همچنان برای حیات خود به کشورهای فرامنطقه‌ای مانند آمریکا و یا کشور روسیه متوسل می‌شوند و همچنان دولت - ملت هویت منسجمی پیدا نکرده است. در حوزه خلیج فارس نیز اساساً مشروعیت دولت‌ها زیر سؤال جدی است و مفهومی به نام ملت در این حوزه در مراحل آغازین شکل‌گیری خود قرار دارد. در حقیقت بی‌ثباتی در کشورهای همسایه جمهوری اسلامی ایران می‌تواند موجب انتقال ناآرامی و عدم امنیت به داخل ایران شود. در نتیجه یکی از تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای جنوب غربی بی‌ثباتی در ساختار سیاسی کشورهای منطقه است.

۷- اختلافات قومی - مذهبی بین کشورهای منطقه

مسائل قومی مذهبی یکی دیگر از عوامل اصلی منازعه بین کشورهای خاورمیانه است. گروه‌های قومی مذهبی به عنوان یکی از بازیگران تاثیرگذار، اهمیت بسیار زیادی در سیاست‌های داخلی و بین‌المللی پیدا کرده‌اند. اقدامات گروه‌های قومی مذهبی فراتر از مرزهای رسمی رفته و حمایت قدرت‌های خارجی را جلب کرده است. منازعات قومی - مذهبی در کشورهای منطقه آسیای غربی عمده‌اُبه کردها، شیعیان و اهل تسنن مربوط می‌شود. کردها یکی از مهمترین گروه‌های قومی در خاورمیانه هستند. اهمیت بعد بین‌المللی

قوم کرد ناشی از این واقعیت است که گروه‌های کردی در مرزهای سرزمینی یک دولت محدود نیستند و داخل مرزهای چند کشور مانند ترکیه، عراق، ایران و سوریه پراکنده شده‌اند. این مسئله، یکپارچگی این کشورها را بامشکلات جدی روبرو کرده است. به همین دلیل است که خودمختاری کردهای شمال عراق، کشورهای منطقه از جمله ترکیه را شدیداً نگران کرده است. (ساعی، ۱۳۹۲) یکی از علل منازعات بین ترکیه و سوریه نیز به همین مسئله باز می‌گردد. ترکیه مدعی است سوریه از پ. ک. ک حمایت می‌کند. این مسئله دو کشور را در سال ۱۹۹۸ تا آستانه جنگ پیش برد. مسئله دیگر، وجود شیعیان در عربستان سعودی، بحرین و لبنان، آذربایجان، پاکستان و افغانستان است. نمونه دیگر درگیری و منازعه بین کشورهای منطقه است که، جنگ بین رژیم صهیونیستی و حزب الله لبنان در سال ۲۰۰۶ بود. (ولدانی، ۱۳۸۴: ۵۵-۵۴) یکی از جدیدترین تنش‌هایی در منطقه بوجود آمد، قطع روابط ایران با کشورهای عربی در مورد اعدام یک روحانی شیعه در عربستان به نام شیخ النمر بود. اعدام این عالم شیعه موجب برانگیختگی شیعیان در کشورهای مختلف از جمله ایران شد که همین اتفاق زمینه قطع رابطه کشورهای عربی با ایران شد. همچنین جنگ‌های یمن و عربستان، جنگ گروه‌های تکفیری داعش در سوریه و عراق را می‌توان ذیل منازعات قومی و مذهبی تحلیل نمود. علاوه بر این تهدیدها و چالش‌های منطقه آسیای جنوب غربی مطرح شده می‌توان به برخی موارد ذیل اشاره نمود؛ منازعات و بحران‌های سیاسی در بعضی از کشورهای منطقه، همراهی و تبعیت بعضی از کشورهای منطقه از سیاست‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای، مقابله نظام سلطه با شکل‌گیری و عملکرد سازوکارهای چندجانبه منطقه‌ای، ساختارهای سیاسی متفاوت و نامتجانس کشورهای منطقه.

با توجه به نتایج ارزیابی‌ها، پس از تعامل دادن قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات و تشکیل ماتریس‌های ST, SO, TW, SW راهبردهای زیر تدوین و ارایه می‌گردد.

۱. راهبرد تنش‌زدایی و اعتمادسازی:

حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات و سوء تفاهات با کشورهای حوزه خلیج فارس از طریق اعتمادسازی و ارتقای درک متقابل با استفاده از موقعیت ایران در منطقه و حضور در سازوکارها و سازمان‌های منطقه‌ای و ریاست بر برخی از آن‌ها.

۲. راهبرد مقابله با حضور و نفوذ آمریکا:

مقابله با حضور و نفوذ آمریکا در محیط پیرامونی (همسایگان) جمهوری اسلامی ایران از طریق تأثیرگذاری بر سیاست خارجی کشورهای همسایه و از بین بردن بهانه‌های موجود با استفاده از سازوکارهای دو و چندجانبه.

۳. راهبرد ثبات سازی:

ایجاد و حفظ ثبات در محیط پیرامونی کشور (به ویژه در افغانستان و عراق) از طریق افزایش همکاری و تعامل با دیگر بازیگران و سازوکارهای چندجانبه با استفاده از دیپلماسی فعال.

۴. راهبرد رهایی منطقه:

مقابله با همراهی برخی از کشورهای منطقه با قدرت‌های فرامنطقه‌ای و رهایی منطقه از حضور و نفوذ بیگانگان از طریق تعامل سازنده و مشارکت در شکل دهی به مقررات و تصمیمات سازوکارهای چندجانبه منطقه‌ای موجود با استفاده از تجربیات در حوزه دیپلماسی.

۵. راهبرد مقابله با منزوی سازی و امنیتی سازی ایران:

مقابله با منزوی سازی و امنیتی سازی ایران از طریق افزایش تعامل و اعتمادسازی در کلیه سازوکارها و سازمان‌های منطقه‌ای با استفاده از دیپلماسی دو و چندجانبه.

۶. راهبرد مدیریت از بحران‌های منطقه‌ای:

مدیریت منازعات و بحران‌های منطقه‌ای از طریق نظارت راهبردی بر تحولات منطقه با استفاده از موقعیت ژئوپلیتیک ایران و حضور در سازمان‌ها و سازوکارهای چند جانبه منطقه‌ای.

۷. راهبرد نقش آفرینی:

تقویت نقش ایران در سازوکارهای چندجانبه منطقه‌ای از طریق حضور و مشارکت در اجلاس‌های مربوط به تحولات منطقه با افزایش تعامل و شکل دهی به تصمیمات سازوکارها.

نتیجه‌گیری:

در چارچوب راهبرد کلان جمهوری اسلامی ایران، اشراف بر محیط پیرامونی اهمیت و ضرورت زیادی دارد. ایران در دهه آینده، برای نیل به موقعیت جایگاه اول منطقه نیاز فراوانی به اعمال مدیریت راهبردی تحولات ژئوپلیتیک جاری دارد. جمهوری اسلامی ایران به منظور نقش آفرینی در آینده منطقه، ناگزیر به شناخت محیط داخلی و منطقه‌ای از منظر قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات است. در تحولات جاری ژئوپلیتیک در منطقه ایران با فرصت‌ها و تهدیدات گوناگون مواجه بوده و از سوی دیگر در محیط داخلی از قوت‌ها و ضعف‌هایی برخوردار است. تامین امنیت ملی و دستیابی به اهداف راهبردی، ایجاب می‌نماید ایران در چهارچوب اعمال مدیریت راهبردی تحولات منطقه فرصت‌ها و تهدیدات را مستمراً رصد نموده و با کاربست ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی و رفع نقاط ضعف، راهبردهای اثربخش را تدوین و اجرا نماید. مهم‌ترین قوت‌های ایران در تحولات جاری در منطقه عبارتند از: جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران در منطقه آسیای جنوب غربی، توانایی تأثیرگذاری بر سیاست‌های برخی از کشورهای منطقه، توانایی الهام‌بخشی انقلاب اسلامی در سطح منطقه و انسجام ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران و مهم‌ترین ضعف‌های موجود عبارتند از: عدم حضور و نقش آفرینی موثر در سازوکارهای بین‌المللی و منطقه‌ای، عدم تنش زدایی با کشورهای منطقه.

در محیط خارجی نیز فرصت‌هایی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران قرار دارند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر هستند: موج بیداری اسلامی در منطقه، زمینه‌های مشترک فرهنگی، تاریخی با برخی از کشورهای منطقه و شکست برخی سیاست‌های آمریکا در منطقه در سال‌های اخیر.

بر اساس مطالعه صورت گرفته تهدیدات موجود برای ایران در تحولات ژئوپلیتیک منطقه، حضور و نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای در منطقه، نقش آفرینی کشورهای منطقه (ایجاد تنش های منطقه‌ای)، وجود اختلافات و منازعات مرزی کشورهای منطقه، امنیتی شدن چهره جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه (ایران هراسی)، گسترش افراط گرایی و نشر عقاید سلفی و تروریستی در منطقه، بی‌ثباتی در ساختار سیاسی برخی از کشورهای منطقه و اختلافات قومی - مذهبی بین کشورهای منطقه هستند.

در مجموع منطقه آسیای جنوب غربی در وضعیت کنونی با تحولات گسترده و پر شتاب مواجه است و در واقع دوران گذار را طی می‌نماید. گرچه تحولات این منطقه همواره از شتاب زیادی برخوردار بوده است اما در وضعیت فعلی سرعت و گستردگی تحولات نسبت به گذشته بسیار افزایش یافته است. جمهوری اسلامی ایران به منظور تأمین امنیت و منافع ملی ناگزیر از اعمال مدیریت راهبردی در حوزه تحولات منطقه است. اتخاذ رویکرد کلان، سیستمی، اقتضایی و آینده نگر نسبت به منطقه از الزامات جمهوری اسلامی ایران برای تضمین دستیابی به اهداف است.

پیشنهادها:

با توجه به شتاب تحولات ژئوپلیتیک در منطقه، چالش های پیش روی آمریکا و رقابت های کشورهای منطقه با یکدیگر و بمنظور نقش آفرینی موثر در تحولات جاری و دستیابی ایران به اهداف راهبردی، پیشنهاد های زیر ارائه می گردد.

۱. به منظور اثربخشی مطلوب، پیشنهاد می‌گردد همه راهبردها در یک دوره زمانی معین به طور هم زمان از سوی ایران به مورد اجرا گذارده شوند.

۲. با توجه به موقعیت منطقه آسیای جنوب غربی و مطامع قدرت‌های بیگانه در این منطقه که همواره در ضدیت با اهداف، منافع و موقعیت ایران بوده، لازم است ساختارهای سیاسی و امنیتی ایران برای جلوگیری از نفوذ و تأثیرگذاری قدرت‌های فرا منطقه‌ای به ویژه آمریکا بر اعمال مدیریت راهبردی تحولات متمرکز شوند.

۳. با توجه به گستردگی منطقه آسیای جنوب غربی، تکرر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، تنوع مسایل موجود در منطقه و وجود نهادهای تأثیرگذار داخلی، به نظر می‌رسد اجرای راهبردهای مطلوب نیازمند هماهنگی‌های مناسب و به موقع نهادها و دستگاه‌های داخلی و همکاری با بازیگران ذیربط در منطقه و جهان است. بنابراین پیشنهاد می‌گردد اجماع نظر داخلی بر سر تحولات ژئوپلیتیک منطقه، مورد توجه و تمرکز مسئولان ذیربط قرار گیرد.

منابع و مأخذ:

- افریم، اینبار، (۱۳۷۶)، خطوط برجسته تفکر استراتژیک نوین اسرائیل، مجله سیاست دفاعی، سال پنجم، شماره ۲
- امیر احمدیان، بهرام، (۱۳۷۷)، «ایران و قفقاز- جایگاه ژئوپلیتیک ایران در دوره ی پس از جنگ سرد»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۵ و ۱۳۶.
- امیر احمدیان، بهرام، (۱۳۸۵)، ایران و قفقاز- جایگاه ژئوپلیتیک ایران در دوره ی پس از جنگ سرد، مجله علمی و ترویجی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز.
- امیری مجتبی (۱۳۷۴)، «ایران آمریکا، نگاهی دیگر»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۹۶-۹۵
- امینی، ابراهیم، (۱۳۶۳)، سیاست خارجی حکومت اسلامی، تهران، در کتاب مجموعه مقالات حکومت در اسلام: سومین کنفرانس اندیشه اسلامی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- امیدوار، کمال و دوستی، معصوم و علیزاده، یحیی (۱۳۸۸)، بررسی نقش استراتژیک تنگه هرمز در خلیج فارس، در کتاب مجموعه مقالات همایش ملی جایگاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان، تهران: انتشارات موسسه جغرافیای گیتاشناسی.
- ایزدی، جهانبخش، (۱۳۹۰)، «راهبردهای تحقق تعامل موثر و سازنده ایران در نظام بین-الملل»، تهران: فصل نامه سیاستگذاری، سال دوم، شماره سوم، صص ۴۳-۶۷.
- باباجانی پور، زهرا (۱۳۹۲)، «راهبرد ایالات متحده آمریکا در سوریه از ۲۰۱۲ - ۲۰۱۱»، مجله مطالعات منطقه ای، شماره ۴۸، صص ۱۱۵ تا ۱۴۰.
- برزگر، کیهان، (۱۳۸۷)، ایران، خاورمیانه و امنیت بین الملل، مجله سیاست خارجی، سال بیست و دوم، شماره ۳
- پور احمدی میبدی، حسین (۱۳۷۹)، «روند جهانی شدن اقتصاد و ضرورت تقویت اصل چندجانبه گرایی»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۵۵، صص ۷۶۵-۷۸۴.
- تخشید، محمد رضا و متین، مهدی، (۱۳۹۰) «تسلط بر منابع نفتی استراتژیک خلیج فارس و تهاجم نظامی ایالات متحده به عراق»، فصلنامه مطالعات جهان، شماره ۱، صص ۲۰۵-۲۳۲.

- جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۸)، چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۸)، نقش استراتژیک خلیج فارس و تنگه هرمز، تهران: انتشارات سمت.

- حسینی، محمدحسین (۱۳۹۲)، «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: منطقه خاورمیانه)»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هفتم، شماره سوم، صص ۶۷۹-۷۰۰

- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و فرازی، مهدی، (۱۳۹۱)، «بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه‌ی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸، صص ۱۶۳-۱۹۰.

- رضایی میرقائد، محسن، و مبینی دهکردی، علی (۱۳۹۰)، ایران آینده در افق چشم انداز، تهران: انتشارات اندیکا.

- رضایی و همکاران، (۱۳۸۳)، ایران منطقه‌ای، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.

- سریع القلم، محمود، (۱۳۷۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

- صالح، جواد و شهابی، مهدیه، (۱۳۹۱)، «تاثیر انقلاب اسلامی منطقه خاورمیانه»، مطالعات بیداری اسلامی، سال اول، شماره ۱، صص ۶۲-۵۱

- قالیباف، محمدباقر و پورموسوی، سید موسی، (۱۳۸۷)، «ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه و سیاست خارجی ایران»، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۶، صص ۵۳-۷۰.

- کرمی، جهانگیر، (الف: ۱۳۸۷)، «ایران و اوراسیای مرکزی: آشفتگی نقش و عملکرد»، دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ه، سال اول، شماره ۱، صص ۷۱-۹۰.

- محمدی، منوچهر، (۱۳۸۷)، آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

- مظاهری، محمد مهدی، ژئوپلیتیک نوین ایران، فرصت‌ها و تهدیدات، قابل دسترسی در:

-میر ایچ، سادات و بی.جونز، دانیل (۱۳۹۰)، «سیاست خارجی آمریکا در قبال سوریه: تناسب ایدئولوژی و منافع ملی»، ترجمه: کیانوش کیاکجوری، مجله خلیج فارس و امنیت، سال دوازدهم، شماره ۱۲۲، مصص ۱۵-۱۴.

- میر طاهر، رضا و سپهریان سهراب، (۱۳۸۱)، ویژگی‌های دریای خزر و نظام منطقه‌ای آن، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی.

-واعظی، محمود، (ب: ۱۳۸۵)، «جمهوری اسلامی ایران و طرح خاورمیانه بزرگ»، مجله راهبرد، شماره ۳۹، صص ۱۷ تا ۲۸

-واعظی، محمود، (الف: ۱۳۸۹)، «ایران و تهدیدات ناشی از بی‌ثباتی در افغانستان و پاکستان»، پژوهش نامه سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۲۶، صص ۱۵-۴۶

-هاگت، پیتر (۱۳۷۹)، جغرافیای ترکیبی نو، ترجمه شاپور گودرزی نژاد، ج ۲، چاپ دوم، تهران: سمت.

-یزدغام، محمود، (۱۳۹۰)، آینده شناسی و برآورد محیط راهبردی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره ۵۴

-امیرزاده، عباس، (۱۳۹۱/۱/۱۴)، بیداری اسلامی و ژئوپلیتیک جدید قدرت در خاورمیانه. قابل دسترسی در:

www.bidari.ir

-پایگاه اطلاع رسانی حوزه، (۱۳۸۵)، «شکست راهبردی آمریکا در عراق»، قابل دسترسی در:

<http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/>

-پایگاه اطلاع رسانی presstv (پرس تی وی) (۱۳۹۴/۶/۲۷)، مقامات در پی شکست در سوریه، آمریکا در راهبرد نظامی خود بازنگری می‌کند. پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری:

www.khamenei.ir

-پورمحسنی، مهدی، (۱۳۹۱/۱۱/۳۰)، تأثیر بیداری اسلامی بر منطقه گرای اقتصادی در خاور میانه، قابل دسترسی در:

http://khabaronline.ir/detail/277859/#Scene_1

-توسلی، حسین (۱۳۹۰/۱۱/۶)، «ویژگی‌های قدرت منطقه‌ای و تطبیق آن با شرایط جمهوری اسلامی»، قابل دسترسی در:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn>

-حقیقت پور، منصور (۱۳۹۴/۹/۲)، ابعاد قدرت منطقه‌ای ایران، قابل دسترسی در:

<http://www.farsnews.com/printable.php?nn5>

-عظیم زاده، جعفر، (۱۳۹۱)، منطق‌های سیاست خارجی آمریکا در حوزه خلیج فارس، سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، قابل دسترسی در:

<http://www.irdc.ir/fa/content/23019/print.aspx/>

-فرازی، مهدی، (۱۳۹۱)، بیداری اسلامی؛ بازخوانی نظم جدید خاورمیانه، سایت بیداری اسلامی، قابل دسترسی در:

<http://saeq.net/index.aspx?siteid=128&pageid=44521&newsview=15718>

-واعظی، محمود، (۱۳۹۰)، بسترها و موانع همکاری بازیگران خارجی در افغانستان، بولتن پژوهشی مرکز تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، قابل دسترسی در:

<http://www.csr.ir/Departments.aspx?lng=fa&abtId=07&&depId=44&&semi=2637>

- Milani, Mohsen (2011), "Iran and Saudi Arabia Square off". Available at: www.foreignaffairs.com/articles/136409/ (Retrieved on 3 Mar. 2016).

Newsom, David (1980), United States Policy toward the Gulf, - Georgetown University press.-Washington. D.C

-Naghizadeh ,Ahmad (2002), " Rectification of Iran's Foreign Policy Shortcomings during Khatami's Presidency , "Discourse: An Iranian Quarterly, Vol. 3, No. 3

-Pollack, Kenneth (2012) "Shifting Sand in The Middle East", Brookings Institute, available at: <http://www.brookings.edu/blogs/up-front/posts/2012/02/14-arab-power-pollack> (Retrieved on 3 Mar. 2016).